

کارگران

سخن میگویند!

هسته کارگری مبارز افغانستان

ثور ۱۳۹۵ (می ۲۰۱۶)

شماره (۱۲)

دور دوم



ویژه نامه روز جهانی کارگر

www.kargaranafghanistan.blogfa.com

hastakargari@yahoo.com

آدرس وبلاگ ما:

ایمیل آدرس ما:

گزارش تجلیل از روز جهانی کارگر (اول ماه می) در ولایت...

به همین ترتیب شعار « کارگران و رنجبران تولید کنندگان اصلی تمامی ثروت های جهان اند » به دروازه تالار نصب شده بود که هر شرکت کننده را متوجه خود می ساخت.



اکثر دیوارهای داخل تالار نیز با شعارهای انقلابی پوشیده شده بود. موسیقی نرم انقلابی گوشها را نوازش می داد و شرکت کنندگان را کاملاً جذب نموده بود.



محفل به ساعت ۲:۴۵ بعد از ظهر شروع گردید و تا ساعت ۴:۴۵ به مدت دو ساعت ادامه یافت. در این محفل در حدود ۱۲۰ نفر اعم از زنان و مردان شرکت نموده بودند که در حدود ۴۰ درصد آنها را زنان تشکیل می داد.

یکبار دیگر اول می روز جهانی کارگر فرا رسید. این روز را احزاب انقلابی، سازمانهای انقلابی، دموکراتیک و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تجلیل می کنند و عمل جنایتکارانه ارتش امریکا را در روز اول ماه می سال ۱۸۸۶ میلادی در شهر شیکاگو ایالت نیویورک را تقبیح و محکوم می نمایند.

در ماه جولای ۱۸۸۹ میلادی کنگره بین الملل در پاریس روز اول ماه می را بعنوان روز جهانی کارگران برگزید و پس از آن همه ساله روز اول ماه می در سراسر جهان بعنوان روز کارگر از طرف کارگران و تمامی نیروهای انقلابی تجلیل می گردد.

” هسته کارگری مبارز افغانستان ” نیز این روز را در حالی تجلیل می نماید که افغانستان کماکان مستعمره تمام عیار امپریالیست های اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا باقی مانده و رژیم دست نشانده شان کاملاً مطیع و گوش بفرمان در این کشور حکم می راند.

این روز را ” هسته کارگری مبارز افغانستان “ به تاریخ ۲۸ اپریل ۲۰۱۶ (۹ ثور ۱۳۹۵ خورشیدی) در یکی از تالارهای شهر... تجلیل نمود. در مقابل استیژ آرم مبارزاتی ” هسته کارگری مبارز افغانستان “ که در سربرگ آن ” در اول می امسال کارگران سخن میگویند “ نوشته شده بود، توجه حاضرین در تالار را به خود جلب میکرد.

حین ورود به تالار شعار « پیشبرد مبارزات کارگری نیازمند ایجاد تشکیلات کارگری است » نصب شده بود، هر یک از شرکت کنندگان محفل برای خواندن آن لحظه ای مکث می نمودند.



پسته پاکي، کشمش پاکي، نخود پاکي و کلفت خانه های ثروتمندان اند، که به بی رحمانه ترین شکل مورد استثمار قرار می گیرند.

امروز در افغانستان بیش از صد هزار زن در کارهای مختلف با مزد ناچیز مورد ستم و استثمار قرار دارند. زنان کارگر بجای کار ۸ ساعته ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کنند و در حدود نصف حقوق مردان را دریافت می نمایند.

اکثریت این زنان در محیط کارشان مصئون نیستند و حتی از بهداشت خبری نیست. این زنان علاوه بر کار ۱۰ - ۱۲ ساعته بیرون از خانه مکلف به اجرای کار خانه نیز می باشند. سرمایه داری بنا به اقتضای منافعش زنان را به بیرون از خانه می کشد، اما به هیچوجه مسئولیت کار خانه را از دوش شان بر نمی دارد.

اشغالگران که زیر نام "آزادی زن" و "دموکراسی" افغانستان را اشغال نموده اند در حقیقت امر دامنه فقر، ستم و استثمار را بیشتر گسترده نموده اند. ما شاهد هستیم که اشغالگران ستم جنسیتی را افزایش داده اند نه آزادی زنان را، ستم طبقاتی را حدت بخشیده نه رفاه و آسایش را، اشغالگران و رژیم پوشالی بخاطر غارت و چپاول کمر بسته اند نه بهبود وضعیت کارگران و توده های زحمتکش افغانستان را. کارگران نباید از چنین رژیمی بیش از این توقع داشته باشند. تا زمانیکه اشغالگران و رژیم دست نشانده در افغانستان حکم برانند کارگران نمی تواند از این وضعیت اسفناک نجات یابند و به آزادی و عدالت اجتماعی دسترسی پیدا نمایند. شورش بر حق است. برای از بین بردن این وضعیت هیچ چاره ای نداریم جز اینکه به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی بپردازیم و اشغالگران را از کشور بیرون رانده و رژیم دست نشانده را از قدرت به زیر کشیم.»

یکی از جوانان مقاله ای پیرامون وضعیت فلاکت بار کارگران در شرایط کنونی افغانستان پرداخت و یک جوان دیگر وضعیت بد و اختناق کارگران مهاجر افغانستانی را توضیح داد.

دو سرود انقلابی توسط گروه هنری "هسته کارگری مبارز افغانستان" در وسط برنامه اجرا گردید و در اخیر برنامه، قطعنامه "هسته کارگری مبارز افغانستان" به سمع حاضران رسانده شد. جو مبارزاتی بر محفل، جو مبارزاتی علیه اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و اشغالگران داعشی بعنوان دشمن عمده بود.

پایان بخش محفل روز اول می دو سرود انقلابی بود که توسط گروه هنری "هسته کارگری مبارز افغانستان" اجرا گردید.

با اعلام اختتام برنامه، اشتراک کنندگان با روحیه عالی و با کف زدن های پرشور، صحن تالار را ترک نموده و از برگزار کنندگان محفل اظهار سپاس و قدردانی نمودند. تاریخچه اول ماه می و فراخوان "هسته کارگری مبارز افغانستان" نیز هنگام بیرون شدن اشتراک کنندگان از صحن تالار توسط گردانندگان محفل، بصورت دست به دست توزیع گردید.

گزارشگر "هسته کارگری مبارز افغانستان"

۹ ثور ۱۳۹۵

گرداننده محفل یک جوان پر شور انقلابی بود. او در ابتدا محفل از حضور گرم شرکت کنندگان قدر دانی نمود و در ابتدای سخنانش علل ایجاد "هسته کارگری مبارز افغانستان" را چنین بیان نمود:

« وضعیت ناخوشایند کارگران و شرایط سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تحمیل شده بر وضعیت کنونی جامعه، عده ای از کارگران و نیروهای انقلابی را وادار نمود تا بخاطر اعاده حقوق حقه کارگران و زحمتکشان بپاخاسته و "هسته کارگری مبارز افغانستان" را تشکیل دهند، برای متشکل ساختن هم قطاران خود شب و روز تلاش می نمایند و به بسیج فشرده کارگران و زحمتکشان بپردازند، تا بتوانند ازین طریق کارگران و توده های رنج کشیده را از وضعیت کنونی جامعه و ستمی که بر ایشان تحمیل می گردد آگاه سازد و بینش طبقاتی شان را ارتقا دهند، خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان جامعه را انعکاس داده و صدای اعتراض کارگران رنج دیده جامعه را به گوش جهانیان برسانند.»

او در ادامه صحبتش گفت به هیچوجه اشغالگران و رژیم پوشالی حاضر نیستند که این روز را به رسمیت بشناسند و به کارگران بگویند که این روز چه روزی است، زیرا آنها خوب درک نموده اند که آگاهی و متشکل شدن کارگران مرگ شان را نزدیک می سازد.

در ابتدای برنامه یکی از کارگران فراخوان "هسته کارگری مبارز افغانستان" را بخوانش گرفت. در فراخوان اشغال کشور تقبیح گردیده، و رژیم را یک رژیم دست نشانده و کاملاً مطیع و فرمانبردار بررسی نموده بود. فراخوان روز اول ماه می را از دیدگاه دولت دست نشانده چنین بررسی نموده بود:

«اما متأسفانه باید گفت که در افغانستان کنونی نه تنها جایگاهی برای چنین روزی در نظر گرفته نشده و رسمیت قانونی ندارد بلکه حتی کارگران و زحمتکشان این جامعه در وضعیت بسیار فلاکت باری زندگی خویش را سپری میکنند.»

فراخوان راه بیرون رفت کارگران از وضعیت فلاکت بارشان را بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی دولت دست نشانده و ایجاد دولت دموکراتیک نوین بیان نموده، برای پیاده نمودن این هدف والا، فراخوانش را چنین بیان نمود:

« بناء "هسته کارگری مبارز افغانستان" از تمامی احزاب و سازمان های انقلابی، اتحادیه های کارگری، روشنفکران مشهور مترقی ملی - دموکرات، کارگران، دهقانان، محصلین، جوانان، هنرمندان، نویسندگان، دانشمندان، طرفداران محیط زیست و معلمین می طلبد تا صدای شانرا را علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده بلند نمایند و دست به دست هم داده به مبارزه مشترک شان علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده برخیزند.»

یکی از جوانان بصورت مختصر تاریخچه اول ماه می را بخوانش گرفت، و دو شعر توسط دو دختر جوان به دري دکلمه گردید و یک دختر جوان پیرامون فقر، بیکاری و علل بدبختی کارگران به سخنرانی پرداخت. او در ادامه بحث خود به استثمار بی رحمانه زنان پرداخت و خاطر نشان نمود که:

«در افغانستان کنونی زنان نه تنها مشغول کارهای صنعتی بلکه مشغول کارهای باربری، پشم پاکي، کرک پاکي، خدمه تالارها،

افتتاحیه محفل

مست غفلت تا بکی هوشیار باش ای کارگر
متحد بر ضد هر خونخوار باش ای کارگر
دیر شده آماده پیکار باش ای کارگر

بس بود خواب گران بیدار باش ای کارگر
متحد هستند بر ضد تو خونخواران، تو هم
بهر امحای تو صنف اغنیا صف بسته اند

آموخت تا علیه بیداد و ستم، اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان و هم چنین اشغالگران داعشی بعنوان دشمن عمده مردمان این سر زمین و تمام نیروهای ارتجاعی به ایستسم و تا رسیدن به جامعه فارغ از ستم و بردگی به پیش رویم.

اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و نیروهای ارتجاعی به هیچوجه حاضر نیستند که بگویند روز جهانی کارگر چه روزی است. آنها دایما حقایق را می پوشانند، زیرا بخوبی می دانند که اگر طبقه کارگر و اقشار زحمتکش به درجه آگاهی برسند در مقابل موج عظیم جنبش ستمدیدگان مواجه می شوند و عمر ننگین شان خاتمه می یابد.

امروز ما در اینجا جمع نشدیم که فقط به مقالات و سخنرانی ها گوش بدهیم، بلکه برای آنست که با هم تعهد نماییم به دنیا و زندگی خویش به شکل دیگری نگاه کنیم و راه و چاره بیرون رفت از این معضل را دریابیم. از این طریق است که می توان تغییرات زیادی در خود، خانواده و جامعه ایجاد نمود.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " از کارگران، زحمتکشان و تمامی نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات کشور می خواهد که در مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست، اشغالگران داعشی و رژیم دست نشانده ما را تنها نگذارند، زیرا برهم زدن این وضعیت نیاز مند صفوف فشرده تمام زحمتکشان و نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات می باشد.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " انتخابات نمایشی مضحکه پارلمانی و شورای ولایتی که قرار است در خزان امسال بر قرار شود به شدت تقبیح و تحریم می نماید و آنرا یک نمایش مضحکه سیاسی می داند، واز تمامی توده های ستمدیده می خواهد که این انتخابات را تحریم نموده و به پای صندوق های رای نروند.

محفل امروزی ما شامل سخنرانی ها، مقالات، دکلمه ها و سرود های انقلابی است. امید داریم که ما را تا آخر محفل همراهی نمائید.

در این قسمت محفل از آقای کارگر می خواهیم تا فرا خوان " هسته کارگری مبارز افغانستان " را به سمع شما برساند. تا آمدنش تشویق نمائید.

حضار نهایت گرمی قبل از همه اول می روز جهانی کارگر را به همه ای شما و تمام مردم زحمتکش افغانستان مبارکباد می گویم، و از شما حضار گرمی تشکر می نمایم که ضرورت گرد همایی این روز را درک نموده و در این محفل شرکت نموده اید.

محفل کنونی ما توسط " هسته کارگری مبارز افغانستان " بر گزار گردیده است. طوریکه می دانید امروز نهم ثور مصادف با بیست و هشتم اپریل می باشد، ما امروز در این جا جمع شده ایم تا از این روز فرخنده تجلیل بعمل آوریم و یادی از فدا کاری و قهرمانی کارگرانی که در این روز جان های شان را از دست داده اند، نموده و با ایشان تجدید پیمان کنیم که راه شانرا ادامه می دهیم.

وضعیت ناخوشایند کارگران و شرایط سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تحمیل شده بر وضعیت کنونی جامعه، عده از کارگران و نیروهای انقلابی را وادار نمود تا بخاطر اعاده حقوق حقه کارگران و زحمتکشان بپا خاسته و " هسته کارگری مبارز افغانستان " را تشکیل دهند، برای متشکل ساختن هم قطاران خود شب و روز تلاش نمایند و به بسیج فشرده کارگران و زحمتکشان پردازند، تا بتوانند از این طریق کارگران و توده های رنج کشیده را از وضعیت کنونی جامعه و ستمی که بر ایشان تحمیل می گردد آگاه سازد و بینش طبقاتی شان را ارتقا دهد، خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان جامعه را انعکاس داده و صدای اعتراض کارگران رنج دیده جامعه را به گوش جهانیان برسانند.

روز اول می روزی است که ارتش جنایت کار امریکا بروی کارگران شهر شیکاگو ایالت نیورک که بخاطر بدست آوردن حقوق شان به اعتراض پرداخته بودند آتش گشود و جاده های این شهر را به خون کارگران گلگون ساخت. تعداد زخمی و تعداد زیادی را بازداشت و محاکمه نمود و هفت نفر از رهبران شان را اعدام کرد.

ما این روز را بخاطر قهرمانی های کارگران شهر شیکاگو و کارگران مبارز و قهرمان سراسر جهان که علیه بیداد گران و اشغال کشور های شان جنگیدند و جان های شان را فدا ساختند تجلیل می نماییم و یاد و خاطره همه ای شان را گرمی می داریم.

ما این روز را به این خاطر تجلیل می نماییم تا یاد آوری کنیم که مبارزه کارگران در این روز به ما درس ایثار و فداکاری را

فراخوان هسته کارگری مبارز افغانستان

به مناسبت فرا رسیدن اول می روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان افغانستان!

کارگران جهان، سازمان ها و هسته های کارگری با درد و رنج فراوان، کار طاقت فرسا و مبارزات خستگی ناپذیر توأم با قربانی، اول ماه می را بعنوان یک روز بین المللی، روز شناخت جایگاه و خواست ها، روز شمارش رنجها و جنایات سرمایه داری در تاریخ بشریت رقم زدند.

اما متأسفانه باید گفت که در افغانستان کنونی نه تنها جایگاهی برای چنین روزی در نظر گرفته نشده و رسمیت قانونی ندارد بلکه حتی کارگران و زحمتکشان این جامعه در وضعیت بسیار فلاکت باری زندگی خویش را سپری میکنند.

کارگران سراسر جهان در حالی این روز را جشن می گیرند و صدای اعتراضات بر حق خویش را علیه سرمایه داری بلند می کنند که افغانستان در زیر بمب ها و تانک ها اشغالگران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا به ویرانه ای تبدیل گردیده و کارگران زیر خط فقر زندگی مشقت باری را سپری می نمایند.

در شرایط کنونی بیش از ۹۵ درصد مردم افغانستان در رنج و مشقت زندگی خود را سپری می کنند و با فقر، بیکاری، ناامنی و با زندگی ذلت باری دست و پنجه نرم می کنند. این وضعیت زمینه ساز فرار نسل جوان از کشور گردیده است. اما عده ای قلیلی بساط عیش و نوش را در افغانستان پهن نموده و از همه نعمات بر خورداراند.

امروز اکثریت مردم رنج دیده این دیار ستم می بینند، استثمار می شوند، حقوق حقه شان پایمال می گردد، لحظه به لحظه فرامین و قوانین جدیدی برای ستم، استثمار بیشتر و در بند کشیدن توده های ستم دیده بر آنها وضع می گردد و از آنها خواسته می شود که این فرامین و قوانین را بدون چون و چرا قبول نمایند، صبور باشند و زحمت بکشند تا استثمار گران راحت زندگی نمایند. آنها با حيله و نیرنگ می خواهند توده ها را در توهم و غفلت نگهدارند تا فراموش نمایند که کشور شان اشغال گردیده و توسط استعمارگران خارجی مورد تاخت و تاز قرار گرفته است.

آنها از مردم می خواهند تا فراموش نمایند که کشور شان توسط مشت خاین و میهن فروش به حراج گذاشته شده است.

آنها از توده ها می خواهند که فراموش نمایند آنها نیروئی اند که تاریخ جامعه را رقم می زنند. همانطوریکه به پیر کهن استعمار انگلیس و سوسیال امپریالیزم روسیه جواب دندان شکن دادند و آنها را از کشور بیرون راندند، می توانند هر اشغالگری را از کشور بیرون رانند.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" از همه مردم زحمتکش افغانستان می خواهد که برای افشاء نمودن چهره خاینانه رژیم دست نشانده که بخاطر منافع اشغالگران شب و روز مردم زحمتکش این مرز و بوم را به گلوله می بندد به مبارزه برخیزند؛ زیرا بدون مبارزه خستگی ناپذیر و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی بیرون راندن قهری نیروهای اشغالگر، سر نگرانی دولت دست نشانده، ایجاد جامعه دموکراتیک نوین غیر ممکن است.

بحران اقتصادی امپریالیزم به صورت پیهم تشدید می یابد و همچنان حملات امپریالیست ها و جنگ های ارتجاعی در حال شکل گیری است. در چنین وضعیتی کشورهای ارتجاعی منطقه با همیاری و همکاری اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده، سرمایه طبیعی کشور را مورد چور و چپاول قرار داده است. حکومت "وحدت ملی" رژیمی است دست نشانده و گوش بفرمان امپریالیزم امریکا که از خود اختیاری ندارد و به ساز اشغالگران می رقصد. طوریکه بر همگان واضح است که شکل گیری دولت به اصطلاح وحدت ملی توسط جان کری وزیر خارجه امریکا توسط توافقنامه ای بین دو میهن فروش (غنی و عبدالله) ایجاد گردید. در توافقنامه قید گردیده که تا دو سال باید لوی جرگه تعدیل قانون اساسی بر گزار گردد، قانون اساسی تعدیل گردد و دولت از ریاستی به پارلمانی یا صدر اعظمی تبدیل شود. حال که این موعود نزدیک گردیده و سر و صدا از درون رژیم برخاسته که باید توافقنامه عملی گردد، در غیر آن دولت مشروعیت ندارد. در چنین حالتی فوراً سر و کله وزیر خارجه امریکا پیدا می شود و اعلان می کند که رژیم تا پنج سال تغییر نمی کند. این بدان معنی است

و در برابر این مسائل بی تفاوت نباشید، زیرا بی تفاوتی در این زمینه عمر اشغالگران و رژیم مزدور را طولانی تر می سازد. فقط و فقط از طریق مبارزه پیگیر و جدی است که میتوان بر تمام مظالم اجتماعی خط بطلان کشید. ما مطمئن هستیم که اگر کارهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان یافته خود را با پشتکار و جدیت تمام به پیش ببریم، مبارزات سیاسی هرگز بی ثمر نخواهد ماند، بلکه نهایتاً نتیجه بخش نیز میباشد. درین مبارزه بی امان امکان آن هم هست که یکباره به هدفهای والای مان نرسیم، با موانع و چه بسا اوقات به شکست مواجه شویم، اعتقاد ما این است که پشت هر شکست یک پیروزی نهفته است به این اساس می گوئیم که:

"مبارزه شکست، بازهم مبارزه بازهم شکست، بازهم مبارزه و سرانجام پیروزی!"

که هیچ یک از ارگانهای دولتی بشمول پارلمان و سنا از خود اختیاری ندارد، هر چه که امریکا بخواهد همان می شود. صحبت جان کری هوشداری بود به پارلمان و سنا تا دست از پا خطا نکنند.

بناء "هسته کارگری مبارز افغانستان" از تمامی احزاب و سازمان های انقلابی، اتحادیه های کارگری، روشنفکران مشهور مترقی ملی - دموکرات، کارگران، دهقانان، محصلین، جوانان، هنرمندان، نویسندگان، دانشمندان، طرفداران محیط زیست و معلمین می طلبد تا صدای شانرا را علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده بلند نمایند و دست بدست هم داده به مبارزه مشترک شان علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده برخیزند.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" که مدت ها میشود درین راستا به مبارزه برخاسته، از شما نیز میخواهد که همنا با "هسته کارگری مبارز افغانستان" حرکت نموده

با تشکر از آقای کارگر:

قوت کاری

ثروت عالم همه از رنج ماست	قوت کاری تمام گنج ماست
لیک بی هر چیز در هر جاستیم	گر چه ما سازنده دنیا ستیم
اغنیای بی زحمت اندر عیش و نوش	ما ستیم زحمتکشان سخت کوش
سهم ما نفرت است و درد مستدام	کار ما سر مایه می سازد مدام
می توان نظم نوین بنیاد کرد	می توان نظم کهن بر باد کرد
تا برای خود نباشیم بی خودیم	نا توان هستیم ما چون در خودیم
در منظم گشتن و در رزم ما	زور ما در فکر ما در عزم ما
پر توان گردیم و در سنگر شویم	ما اگر جملگی یک لشکر شویم
سر نگون سازیم نظام ظالمان	بر کنیم بنیاد ظلمت در جهان
انقلاب آریم و پا برجا کنیم	قدرت کاریگری بر پا کنیم
سوی آن داد نهایی می رود	زندگی سوی رهایی می رود
تا برای خود نباشیم بی خودیم	نا توان هستیم ما چون در خودیم

در این قسمت محفل از آقای پویا می خواهیم تا تاریخچه مختصر روز جهانی کارگر را به سمع شما برساند. تا آمدنش تشویق نمایید.

اول ماه می برابر با دوازدهم ثور روز جهانی کارگر

در محلات فقیر نشین کارگری دست به دست می گشت که در آن نوشته شده بود: «کارگران مسلح شوید... صاحبکاران نیروی خونخوار خود یعنی پولیس را علیه ما بکار گرفته اند. شش نفر از برادران ما عصر امروز در کارگاه مک گورمیک کشته شدند. آنها فقیران بیچاره را کشتند چرا که جرئت کرده بودند دستورات روساء را زیر پا گذارند... همچو هرکول افسانه ای بپا خیزید و غول پنهانی را که می خواهد شما را نابود کند، از میان بردارید. ما از شما می خواهیم که مسلح شوید! مسلح!»

روز سوم ماه می، دامنه اعتصابات و تظاهرات گسترده تر شد. ۸۰ هزار کارگر در شهر شیکاگو به خیابانها ریختند، در سطح کشور امریکا نزدیک به ۳۴۰ هزار کارگر به جنبش کارگری پیوستند.

زنان خیاط به حمایت از کارگران به سرک ها ریختند تا به تظاهرات به پیوندند. حرکت زنان لوزه بر اندام سرمایه داران انداخت. سرمایه داران از طریق تریبیون و روز نامه های شان زنان تظاهر کننده را بنام «زنان وحشی هلهله کش» یاد نمودند. بعد از این گارد دولتی نیز برای سرکوب تظاهر کنندگان آمادگی گرفت و در روز ۴ می پولیس میدان "هی مارکت" بطور وحشیانه به تظاهر کنندگان حمله نمود، تعداد زیادی از کارگران کشته شدند و صدها نفر زخمی گردیدند. گارد دولتی در پنجم ماه می به کشتار بی رحمانه خونین کارگران پرداخت. در شهر شیکاگو زندانها مملو از هزاران کارگر انقلابی اعتصاب کننده گردید، رهبری انقلابی کارگران در چنگال سرمایه داران اسیر گردید. محکمه ارتجاعی سرمایه داران، کارگران انقلابی را برای حفظ و تحکیم منافع سرمایه داران به محاکمه کشید و هیچ یک از کارگران اجازه نیافتند حتی یک کلمه بگویند.

دادگاه هفت نفر را محکوم به مرگ نمود و اعدام شان کرد. جنبش بزرگی در دفاع از کارگران محکوم به مرگ در سراسر جهان از فرانسه، هالند، روسیه، ایتالیا و هسپانیا گرفته تا تمام ایالات امریکا برافراشت.

در جولای ۱۸۸۹ یعنی سه سال بعد از کشتار وحشیانه کارگران توسط ارتش جنایتکار سرمایه داران، کنگره بین المللی کارگران روز اول می را بنام روز جهانی کارگر مسمی نمود، از آنروز تا کنون همه ساله در سراسر جهان از این روز تجلیل بعمل می آید و یاد و خاطره کارگران مبارز و انقلابی که جان های شان را در این روز از دست داده اند گرامی می دارند و با هم تجدید میثاق می بندند که تا رسیدن به جامعه عاری از ستم این راه ادامه دهند.

زنده باد اول می روز جهانی کارگر

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و بقیه
زحمتکشان

امسال یکصد و بیست و هفتمین سالی است که مراسم اول ماه می در سراسر جهان علیه بی عدالتی و مظالم اجتماعی با اعتراضات گسترده کارگران جهان و نیروهای انقلابی بر گزار می گردد. و یاد و خاطره کارگرانی که در این روز جان شانرا از دست داده اند گرامی می دارند.

من هم به نوبه خود فرا رسیدن اول می روز جهانی کارگر را صمیمانه به کارگران سراسر جهان و بخصوص کارگران ستمدیده افغانستان تبریک عرض می دارم.

امروز، روزی است که میلیون ها کارگر با اعتراضات گسترده خود جنایات ارتش و پولیس جنایتکار امریکا که کارگران را در این روز به گلوله بستند محکوم می نمایند و در ضمن عهد و پیمان خود را در مبارزه برای رهایی از چنگال خونین ستمگران تا رسیدن به حقوق پایمال شده خود تا سر حد کسب آزادی واقعی و عدالت اجتماعی تجدید می نمایند.

در سال ۱۸۸۶ میلادی کارگران نساجی شهر شیکاگو ایالت نیورک امریکا برای بدست آوردن حقوق خویش به اعتراضات خیابانی پرداختند. به زودی اعتصاب و اعتراضات خیابانی همه جا را فرا گرفت و خیابانهای شهر مملو از کارگران اعتراضی گردید. در آلمان بسیاری تکرار کمون پاریس را پیش بینی می نمودند.

قبل از روز موعود یعنی فرا رسیدن اول می، مبارزه سراسری هر هفته راه پیمایی های تحت شعارهای «زنده باد انقلاب کارگری!»، «سرنگون باد تخت و بارگاه و خزانه!» و «کارگران مسلح شوید!» بر گزار می شد. شب ها کارگران با مشعل های دست داشته در جاده های شهر شیکاگو راهپیمایی می نمودند و خواهان حق و حقوق خود بودند. در ظرف دومای اعتراضات کارگری تمام ایالت نیویورک را در بر گرفت. تظاهر کنندگان با حمل بیرق های انقلابی سرود های انقلابی می خواندند. در لویی ویل کنتاکی ورود غیر سفید پوستان در پارک ملی ممنوع بود. در این شهر بیش از ۶۰۰۰ کارگر سیاه و سفید از وسط پارک ملی عبور نمودند و عمدا ورود غیر سفید پوستان در پارک ملی را شکستند. این اعتراضات و اعتصابات روز به روز شدیدتر می شد. پشت سرمایه داران به لوزه در آمده بود. سرمایه داران همراه با پولیس سر کوبگرش برای سرکوب کارگران خود را آماده می نمود، تا اینکه روز اول می این شرایط برای حیلله گران آماده گردید و پولیس سرکوبگر سرمایه داران به کارگران حمله نمودند، در روز ۲ می روزنامه کارگر نوشت: «ناگهان صدای گلوله از نزدیک کارخانه بگوش رسید. حدود ۷۵ قاتل قوی هیکل که توسط یک فرمانده چاق پولیس رهبری می شدند بدان سمت حرکت کردند. سه عرادۀ موتر پر از وحشی های سرکوبگر نیز آنان را همراهی می کردند. در نبرد میان کارگران که سلاح آنها چوب و سنگ و کلوخ بود و پولیسی که با سلاح گرم مسلح شده بود، صف کارگران ناگهان به هم خورد. بم دستی پشت سر کارگران منفجر شد، کم از کم دو کارگر کشته شدند. بسیاری از جمله چند کودک مجروح گردیدند. در ظرف چند ساعت اعلامیه خشمگینانه که به امضای اسپایز رسیده بود

با تشکر از آقای پویا:

من چو رعدم که جهان لرزانم

من چو بادم که کند توفانم



دژ بیداد را ویران

دشمن رنجبران را ویران

من جهان را چو گلستان سازم

کیستم؟ قدرت دوران سازم

دست من موم کند آهن را

مشت من خورد کند آهن را

کس ندارد به جهان همچو من

این قدر تاب و توان همچو من

این منم من، که جهان می سازم

من که تاریخ زمان می سازم

من که آباد کنم میهن را

من که بر باد کنم دشمن را

کیستم؟ کارگرم، دهقانم

من که ایجاد گر دورانم



حال از آقای «خ» می خواهم آنچه را تهیه نموده به سمع تان برساند، تا آمدنش تشویق نمایم.

افغانستان در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶

گردیده است. افغانستان سزاوار چنین شرایطی و اوضاعی نیست. این اوضاع و شرایط ناگوار توسط فرزندان ناخلف این مرز و بوم در دام و چنگال خونین اشغالگران افتاده است.

تا زمانیکه افغانستان مستعمره کشورهای اشغالگر باشد و دست نشانندگان شان بر مردم ستم دیده و مظلوم این کشور حکم برانند، این منجلا ب متعفن، متعفن تر گردیده و مردم ستم دیده به بدترین وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبرو خواهند بود.

در چنین شرایطی است که یک اقلیت ناچیز و میهن فروش صاحب همه چیز شده و درد و رنج، بدبختی و آوارگی و هزاران مشقت دیگر را باید زحمتکشان که صاحب واقعی این سر زمین اند بدوش بکشند.

کارگران و بقیه زحمتکشان باید دقیقاً درک نمایند که هیچ گروه

افغانستان شوربست تحت اشغال بانکی های امریکایی و متحدین شان ورژیم دست نشانده شان بر آن حکم می راند.

بر همگان به خوبی آشکار گردیده که افغانستان از زمان اشغال کشور به زندانی برای زحمتکشان تبدیل گردیده و هر چه از عمر ننگین رژییم دست نشانده می گذرد وضعیت توده های زحمتکش اعم از زنان و مردان بیش از پیش وخیم تر گردیده و می گردد. چنانچه در سال های ۱۳۹۴ خورشیدی مطابق به ۲۰۱۵ میلادی به جهنم سوزان زحمتکشان تبدیل گردید و سال ۲۰۱۶ بدتر از سال قبل است.

امروز در افغانستان اشغال شده بیکاری، درد و رنج، مشقت و بد بختی و فرار جوانان از کشور به لحاظ نا امنی و بیکاری به اوج خود رسیده و کشور ما به یک کشور مستعمره که همه چیز را از دست داده تبدیل شده است. این کشور به یک منجلا ب متعفن تبدیل

رژیم دست نشاندۀ هیچگاه چنین قضایا را پیگیری نکرده و نمی کند. از یکسو بیکاری و عدم توجه به کارگران و از سوی دیگر نا امنی باعث گردیده که تعداد زیادی از جوانان هست و بود خود را فروخته تا عازم کشورهای اروپایی گردند تعدادی از آنها همراه فامیل های شان در آب های یونان غرق شدند و تعدادی که توانستند سلامت به مرزهای اروپا برسند، از طرف کشورهای ارتجاعی اروپا مورد تحقیر و توهین قرار گرفته و می گیرند و در وضعیت بسیار فلاکت باری زندگی را سپری می کنند.

رژیمی کنونی که متشکل از دزدان، قاتلان، میهن فروشان و باندهای مافیای مواد مخدر و زمین و تجاوزگران جنسیتی است مفلوک تر از سال ۲۰۱۵ است. یا بعبارت دیگر سال ۲۰۱۶ پیام آور وضعیت بدتر کارگران، زنان و بقیه زحمتکشان نسبت به سال ۲۰۱۵ است.

راه دیگری برای از بین بردن این همه مصیبت ها جز مبارزه صادقانه طبقه کارگر و همه افشار زحمتکش در یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشاندۀ وجود ندارد. باید این مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشاندۀ بعنوان دشمن عمده خلق های زحمتکش افغانستان تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشاندۀ و استقرار جامعه دموکراتیک نوین به پیش برده شود و تا آنجا به پیش رود که ریشه های ستم بطور کامل محو و نابود گردد.

به پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی

علیه اشغالگران امپریالیست، داعشی و رژیم دست نشاندۀ

و قدرت ارتجاعی و استعمارگر خارجی دوست و یاور شان نه در شرایط کنونی است و نه در آینده خواهد بود. فقط بازوی رزمندۀ و توانای طبقات زحمتکش جامعه است که می تواند افغانستان را از این مصیبت نجات دهد و پشت اشغالگران و رژیم دست نشاندۀ را به زمین میخکوب نماید.

بر همگان واضح است که رژیم دست نشاندۀ در ظرف ۱۵ سالی که از عمر ننگینش می گذرد جز فقر و بدبختی، بیکاری، نا امنی، استثمار بیش از حد، ستم، قتل و غارت، فحشا و بی بند و باری و بی عدالتی چیز دیگری به ارمغان نیاورده است. از رژیمی که دست نشاندۀ اشغالگران خارجی است جز جنایت، قتل و غارت، فقر و بدبختی و تجاوزات جنسی نباید چیز دیگری انتظار داشت.

از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۶ از رژیم دست نشاندۀ جز وعده های دروغین سرخرمن هیچ کار دیگری ساخته نبوده و نخواهد بود. رژیم دست نشاندۀ کنونی مانند یک دکان بقالی است که در آن همه چیز به شمول پست های دولتی در معرض خرید و فروش قرار می گیرد.

سال ۲۰۱۵ بدترین سال برای مردم افغانستان و بخصوص توده های زحمتکش بوده است. در این سال فقر، بیکاری و نا امنی بیش از حد سبب گردید تا جوانان کشور برای پیدا نمودن کار عازم کشورهای همسایه گردند. رژیم های جنایتکار و ارتجاعی منطقه و بخصوص رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران نه تنها کارگران افغانستانی را به شدید ترین وجه مورد استثمار قرار می دهد، بلکه تعدادی از کارگران افغانستانی در مرز های ایران به فجیع ترین شکل توسط سپاه پاسداران ایران تیر باران می شوند و تعدادی از سرمایه داران علاوه بر اینکه ماه ها حقوق کارگران افغانستانی را پرداخت نمی کنند، بلکه برای شان بهانه تراشی نموده و آنها را توسط سپاه پاسداران ایران یا روانه زندان می نمایند و یا اینکه رد مرز می کنند و به این طریق پیسه شان را پایمال می نمایند.

با سپاس از آقای «خ»:

با ما بیا ای کارگر!

آتش بزن سرمایه را

بر هم بزن ای بزرگرا!

نظم دژ بی پایه را

بر دست و پا زنجیر زن

شیخ و شه بی مایه را

خواهی نجات از بردگی

بر کن تو این سامانه را

تا جملگی پی افکنیم

دنیا نو آزاده را



در این قسمت محفل از خواهر کوچک مان «م.ر.» جان تقاضا می نمایم تا شعری را که تهیه نموده دکلمه نماید، تا آمدنش تشویق نمایید.

با عرض سلام خدمت همه شما! من هم روز جهانی کارگر را به تمام کارگران ستمدیده کشورم تبریک عرض میکنم. شعری تهیه کرده ام که امید است مورد توجه تان قرار بگیرد.

به نام نامی مردم

به نام آرزوهای طلائی رنگ نورانی
به تو ای دشمن خونخوار و آزادی
به تو ای عامل بی شرم استعمار
بدون احترام و بی سلام از من
که هستم دختر آزاده افغان!
که هستم در حصار محبس تاریک زندان ها
تنم از ضربت شلاق تان، چون آسمان نیلی است
به روی صورتم آثار داغ و ضربه ها پیداست
به جای آب،
جانم از شرنگ مرگ لبریز است
شما جلادها شب را
به زندانم کشانیدید
شما در تیره گی هایش
ربودید از کف من گوهر تابان عفت را
چو سگها وحشیانه حمله آوردید به دامانم
به دست احمقان پست و هر جا هم ملوث شد
و زندان شما با آنهمه وحشت برای مردمی چون من
حصار و سنگری باشد
که در آن لاله های سرخ می رویند
و از دیوار فولادین آن فریاد خشم ما
به سربازان آزادی توان و روح می بخشد
و این فریاد در گوش شما آهنگ مرگی هست بی تردید
تو ای فرمانروای رهن و ترسو
به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
به جلادت بگو یکبار جانم را فدای ملت من سازد
که بعد از مرگ باشم قدرتی در قلب انسانها
که بعد از مرگ نامم زنده تر گردد
نهال آرمانم بارور گردد
چرا چون بید می لرزید
چرا ای بزدلان از خویش میترسید
که زندانهایتان از مردم آزاده لبریز است؟
شما بیهوده میکوشید
تلاش و عزم ما بالاتر از هر کوششی باشد
سپاه عقل بر اقلیم ظالم چیره میگردد
و تو ای رزل
قبل ازینکه کاخ آرزوهایت فرو ریزد
به جلادت بگو جسم مرا بر دار آویزد
طناب دار را برگردن یک دختر اندازد
و اما ملت من، گر مدال افتخارم رشته دار است
من آنرا به دست خود به دور گردن اندازم
که حق خویش را در پیشگاه تو اداء سازم
تشکرا!



آی مردم



آی مردم تا به کی در رنج و درد!
تا به کی این تن بود بیمار و سرد؟!
تا به کی آه و فغان تا کهکشان!
تا به کی این زندگی باشد روان؟
تا به کی ملک غریبان خار و زار
تا به کی این ملت ما تار و مار؟
تا به کی در چنگ دشمن انحصار
تا به کی این ظلم باشد برقرار؟
بس بود، خواب گران ای هموطن!



بس بود ما التماس، آنها ستم!
بشکنید دیگر سکوت تلخ را
این نظام و ظالم بد رنگ را!
دشمنان کشور مان کم نیست
گرچه ما را هیچ ترس از جنگ نیست
اتحاد و همدلی باشد مرام
همصدا و هم زبان و هم کلام
بهر ما و تو همین باشد پیام
نوبت ماست هموطن خیزید! قیام!
متحد گردیم و همسنگر شویم
مردمان خویش را یاور شویم
برکنیم دیگر نظام ظالمان
تا بسازیم کشور خود را "ودان"
آی مردم نوبت مان سر رسید
نوبت "سیروس" و "آهنگر" رسید!
نوبت پیکار و عزم راسخ است
عشق و هستی هر دویش را حاصل است
کشور ما مهد پیکار است و عشق
عشق کشور گشته است جزء سرشت
خوی ما در زندگی آزادی



عزم ما راسخ! نخواهیم بندگی!

ما به میهن افتخار کشوریم

متحد، همسو علیه دشمنیم

بهر ما و تو همین باشد پیام

نوبت ماست هموطن خیزید! قیام!

نوبت ماست هموطن خیزید! قیام!

در این قسمت محفل از خانم آیدا دانش می خواهیم آنچه را تهیه دیده اند به سمع شما برساند، تا آمدنش تشویق نماید.

انتخابات نمایی و تقلبی پارلمانی و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی را قاطعانه تحریم نمائیم

توده های ستمدیده باید درک نمایند که برای از بین بردن فقر، بدبختی و آوارگی نیاز به وحدت تمامی اقشار زحمتکش اعم از زنان و مردان و مقاومت ملی مردمی و انقلابی دارند. فقط از این طریق است که می توان اشغالگران را قهرا از کشور بیرون راند و رژیم دست نشانده را سرنگون نمود و دولت دموکراتیک نوین را جایگزین آن نمود. بر آوردن این نیازمندی ها بدون مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده غیر ممکن است.

بطور خلاصه توده های زحمتکش برای بر آوردن نیازمندی های شان باید این زباله های تاریخ را به زباله دان تاریخ بریزند.

در شرایط فعلی پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی توده های زحمتکش علیه اشغالگران و دست نشانده های شان وسیله عمده دسترسی به استقلال، آزادی، دولت مردمی و دموکراسی نوین محسوب می گردد.

درین راستا است که از توده های زحمتکش افغانستان می خواهیم که انتخابات نمایی و فرمایشی پارلمانی و شوراهای ولایتی را قاطعانه تحریم نمایند و با تحریم هر چه وسیع تر این انتخابات تقلبی و فریبکارانه، فریبکاری ها و نیرنگ بازی های دشمنان وطن و مردم وطن را بیشتر از پیش نقش بر آب سازند و گامی در جهت بدست گرفتن سرنوشت خویش بردارند.

پیش به سوی برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی

زنده باد افغانستان مستقل، آزاد، آباد و مردمی!

ثور ۱۳۹۵

توده های ستمدیده افغانستان به خوبی درک نموده اند که رژیم دست نشانده با وعده های دروغین سر خرمن در صد فریب دادن آنها است. وبخوبی درک نموده اند که رژیم کنونی یک رژیم پوشالی و دست نشانده اشغالگران است و جز تامین منافع باداران خود کار دیگری را انجام نداده و نمی دهد. به همین سبب بود که اکثریت توده ها یعنی هشتاد در صد توده های زحمتکش انتخابات مضحکه و فرمایشی دوره اول، دور دوم و دور سوم ریاست جمهوری و هم چنین انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی را تحریم نمودند و به پای صندوق های رای نرفتند. توده های زحمتکش سازندگان تاریخ اند. به همین ترتیب کارگران، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش افغانستان سازندگان اصلی این وطن می باشند. آنها اکثریت نفوس کشور را تشکیل می دهند. آنها شب و روز زحمت می کشند، نانی برای خوردن ندارند، اما فیودال کمپرادوران روز بروز چاق تر می گردند.

در شرایط کنونی افغانستان کارگران، دهقانان و بقیه زحمتکشان گرسنه، برهنه، بی خانمان، آواره و محروم از تمامی آزادی ها و حقوق اجتماعی و مدنی اند، اما نیروهای میهن فروشی که توسط جان کری بر اریکه قدرت تکیه زده و دولت به اصطلاح وحدت ملی را تشکیل داده اند از همه نعمات و آزادی ها بر خوردارند.

کارگران، دهقانان و بقیه زحمتکشان خواهان آزادی و حقوق اجتماعی اند و نان، لباس و کار می خواهند، اما اشغالگران همراه با دست نشانده های زحمتکشان هیچ توجه ای ندارند و فقط تامین کننده منافع اقلیت کوچکی از میهن فروشان و جنایکاران می باشند.

رژیم دست نشانده در طول ۱۵ سال عمر نکبت بارش برای زحمتکشان جز فقر و بدبختی، نا امنی و سرکوب، تجاوزات جنسی و قتل زنان چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

با تشکر از خانم آیدا دانش:

کارگر، روزی که تو رهبر شوی
اقتدار مردمان از نام توست
مام میهن انتظار خیزش ات
تیر را شلیک کن بر قلب خصم
خیز از جا و نما عزم نبرد
دست ها را مشت بر دندان نما
چون عقاب زخمی ی مغرور باش
دشت و دامان وطن جولانگه ات
هرکجا دیدی که کاری نارواست
آتش اش زن، تا که آید آفتاب
انقلاب توده های پر خروش
ببر های کاغذیست این سفله ها
هست تو خالی همه فریاد شان
کاز کجا هستند و جای شان کجاست
گور شان اینجا شود ای کارگر
دست در دستان هم رزمان ما
یک وطن داریم و یک سر هدیه اش
تحفه ی دیگر نداریم ای وطن
سر فدا و هدیه ی آزادی ات
روز تان مبروک باید، کارگر

ملت ات را تاج گل بر سر شوی
خلق را روزی اگر یاور شوی
چشم استبداد را خنجر شوی
وقتی که چون شیر در سنگر شوی
تا شرار شعله و اخگر شوی
کاخ استبداد را ویران نما
اوج گیر در آسمان، مسرور باش
خون خفاشان شب بر درگه ات
مشت بر دندان مستکبر رواست
روشن و تابان نماید انقلاب
تا که دشمن را رباید عقل و هوش
دشمنان زندگیست این نفله ها
با نفیری میروود از یاد شان
این زمین زیر پای شان کجاست
رزم تان پویا شود ای کارگر
تا که آزادی شود از آن ما
پای و دست و جان و پیکر هدیه اش
غیر خون و سر نداریم ای وطن
خون فرزندان تو آبادی ات
دشمنت مفلوک باید، کارگر

در این قسمت محفل از گروه هنری می خواهیم تا با سرودهای انقلابی شان به گرمی محفل مان بیفزایند تا آمدن شان تشویق نمایید.

پارچه آهنگ اول:



بیا تا بکوشیم و جنگ آوریم
برون سر از این بار ننگ آوریم
کجا رفت آن بار شعور و هوش ما
که شد مهر میهن فراموش ما؟!*

خزان گشته وطن رفته بهاران
به کام ناکسان رفته عیاران
گلستان وطن پژمرده گشته
زمین خشکیده، رفته باد و باران



بیا تا دست یکدیگر بگیریم
وطن از ماست از دیگر بگیریم
وطن میراث اجداد و نیاکان
ز شاه ماران افسونگر بگیریم
وطن صحرای محشر گشته امشب
به خاک و خون برابر گشته امشب
فغانش پاره کرده آسمان را
مگر گوش فلک کر گشته امشب





بهارت ای وطن آخر خزان شد
زخونت دشمن پیرت جوان شد
چرا قسمت تو را بیچاره کرده
که خاکت پای مال دشمنان شد
دلیم از زندگانی سرده امشب
عجل دور سرم میگردد امشب
به جای گل ز خاکم خون برآید
که آتش در کف نامرده امشب



پارچه آهنگ دوم

(عشق سردی)

جلوه جنون خیزد از سرشکِ تصویرم
خنده می کند امشب دانه های زنجیرم
دانه های زنجیرم!



چون به گوشِ سردِ کوه، قصه غم گفتم
قلبِ سنگِ آن شد آب، از گدازِ تأثیرم
پشتِ آسمان لرزید، قلبِ کهکشان جنید
از خروشِ گلبانگِ ناله زمینگیرم
جلوه جنون خیزد از سرشکِ تصویرم
خنده می کند امشب دانه های زنجیرم
دانه های زنجیرم!

کیفِ می پرستی را، رازِ عشق و مستی را
زاهدان نمی دانند، می کنند تکفیرم
نغمه فنا تا چند پیشِ گوش من خوانید؟
عشقِ «سردی» دارم هیچگه نمی میرم
جلوه جنون خیزد از سرشکِ تصویرم
خنده می کند امشب دانه های زنجیرم
دانه های زنجیرم!

با تشکر از گروه هنری:

عزم و رزم

پیش آمد قیام عظیمی نشست ماست
آبستن نبرد نوینی شکست ماست
با گام احتیاط به منزل توان رسید
از یا فتادن حاصل آن خیزوجست ماست

یاران، زخواب غفلت سنگین بدر شوید

چون، سرنوشت وهستی ملت بدست ماست

احساس رزم جوئی مردانه در نبرد

درخون پاک مردم میهن پرست ماست

هرنعره ای که پشت زمین را تکان دهد

فریاد خشم سرکش توفان مست ماست

در چشم ما زبانه کشد، شعله های عشق

رام هوس نه ایم، هوس رام شست ماست

ما یکه نیستیم در این دشت سینه سرخ

چون لاله های تشنه همه، هم نشست ماست

پیوندد استوار چو انگشت های دست

در وحدت فشرده ی بالا و پست ماست

هرگز مجاز نیست پراکنده زیستن !!!

جمعیت ستم نفسان، در گسست ما

در سایه سلام، بسی حيله خفته است

این درس تلخ، تجربه بود و هست ماست

«آزاده» ایم هم چو عقاب سپهر تاز

«سرمد» نه بند هیچ کسی پای بست ماست



حال از تهمینه وفا می خواهم با سخنانش محفل مارا گرمتر سازد، تا آمدنش تشویق نماید.

مسبب بد بختی کارگران کیست؟

افغانستانی از مرزهای ایران بخاک افغانستان برگردانده میشود، جبرا برای پیدا نمودن کار به ایران می روند.

کارگرانی که برای پیدا کردن کار و لقمه نانی بخاک ایران میروند یا توسط مرزبانان ایران و یا ذریعه قاچاقبران به قتل می رسند و یا هم در شرایط بسیار بد کاری در کوره ها و کانالها و عمق چاه ها جان می سپارند که جنازه های شان به خانواده های داغدیده شان برگردانده

من هم به نوبه خود روز اول می روز جهانی کارگر را به همه کارگران و زحمتکشان جهان و افغانستان تبریک می گویم.

کارگران سراسر جهان امسال در حالی به سراغ جشن اول می، می روند که کارگران و دهقانان افغانستان اشغال شده در زیر خط فقر زندگی را سپری مینمایند. بخاطر این فقر و بیکاری با آنکه ماهانه جنازه ده ها کارگر

صنعتی بلکه مشغول کار های باربری، پشم پاکی، کرک پاکی، خدمه تالارها، پسته پاکی، کشمش پاکی، نخود پاکی و کلفت خانه های ثروتمندان اند، که به بی رحمانه ترین شکل مورد استثمار قرار می گیرند.

امروز در افغانستان بیش از صد هزار زن در کار های مختلف با مزد نا چیز مورد ستم و استثمار قرار دارند. زنان کارگر بجای کار ۸ ساعته ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کنند و در حدود نصف حقوق مردان را دریافت می نمایند.

اکثریت این زنان در محیط کار شان مصئون نیستند و حتی از بهداشت خبری نیست. این زنان علاوه بر کار ۱۰ - ۱۲ ساعته بیرون از خانه مکلف به اجرای کار خانه نیز می باشند. سرمایه داری بنا به اقتضای منافعش زنان را به بیرون از خانه می کشد، اما به هیچوجه مسئولیت کار خانه را از دوش شان بر نمی دارد.

اشغالگران که زیر نام " آزادی زن " و " دموکراسی " افغانستان را اشغال نموده اند در حقیقت امر دامنه فقر، ستم و استثمار را بیشتر گسترده نموده اند. ما شاهد هستیم که اشغالگران ستم جنسیتی را افزایش داده اند نه آزادی زنان را، ستم طبقاتی را حدت بخشیده نه رفاه و آسایش را، اشغالگران و رژیم پوشالی بخاطر غارت و چپاول کمر بسته اند نه بهبود وضعیت کارگران و توده های زحمتکش افغانستان. کارگران نباید از چنین رژیمی بیش از این توقع داشته باشند. تا زمانیکه اشغالگران و رژیم دست نشانده در افغانستان حکم برانند کارگران نمی تواند از این وضعیت اسفناک نجات یابند و به آزادی و عدالت اجتماعی دسترسی پیدا نمایند. شورش بر حق است. برای از بین بردن این وضعیت هیچ چاره ای نداریم جز اینکه به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی بپردازیم و اشغالگران را از کشور بیرون رانده و رژیم دست نشانده را از قدرت به زیر کشیم

اگر آگاهی خود را نسبت به وضعیت موجود بالا نبریم، بسیج و متشکل نشویم، به مبارزه بر نخیزیم و برای بدست آوردن حقوق خود تلاش نکنیم نمی توانیم بر این وضعیت فلاکت بار خط بطلان بکشیم و جامعه عاری از ظلم و ستم ایجاد نماییم.

ما تجارب بسیار عظیمی از گذشتگان خود داریم، با درس آموزی از گذشته و تکیه بر حال، با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده به مبارزه بر خیزیم و با بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی و ایجاد جامعه دموکراتیک نوی بر همه این بد بختی ها پایان دهیم.

با تشکر

میشود، و تعدادی از کارگران بی اشتغال افغانستانی به جرم خرید و فروش مواد مخدر دستگیر گردیده و اعدام می شوند. تمام این مصیبت ها بر می گردد به اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان. تا زمانیکه چنین وضعیتی در افغانستان وجود داشته باشد، کارگران و توده های زحمتکش نه تنها که از بد بختی نجات نمی یابند بلکه وضعیت شان روز بروز وخیم تر می گردد.

در تمام ولایات افغانستان هر روز صبح تعداد زیادی از کارگران در سر گذرها در گرمی و سردی برای فروش نیروی کار خود جمع می شوند، و اگر کسی در این مناطق بدنبال کارگر بیاید بیش از ده ها نفر دور و برش جمع می شوند با صدها خواهش و تمنا می خواهند تا آنها را بکار برند، اما این نیرو کار آنقدر خریدار ندارد تا کلیه این کارگران را به خدمت بگمارد. رژیم دست نشانده و اربابان شان هم به فکر اشتغال کاری برای کارگران نیستند. اگر بخواهند که کدام معادنی را استخراج نمایند آنها به کشورهای خارجی به قیمت ناچیز واگذار می کنند. کشورهای خارجی غارتگر برای رفع بحران های خویش پرسونل کاری از کشور خود اعزام می کند. این وضعیت فلاکت بار کارگران افغانستانی، روز بروز بدتر شده و بر تعداد کارگران بیکار هر روز افزوده میگردد که قابل نگرانی است.

تعدادی از این کارگران را مامورین پائین رتبه دولتی سابق، و افراد تحصیل کرده با تحصیلات متفاوت تشکیل می دهد.

این وضعیت در حالی اتفاق می افتد که رژیم دست نشانده با های وهوی فراوان وعده زمینه اشتغال را بارها در حرف داده است اما نه تنها زمینه اشتغال مهیا نشده، بلکه وضعیت از قبل هم بدتر گردیده است. در چنین وضعیتی دهقانان متوسط به دهقانان فقیر و دهقانان فقیر به دهقانان بی زمین تغییر موقعیت داده اند. و عده زیادی از دهقانان به کارگران مزد بگیر تبدیل شده اند. عده ای ازین دهقانان با پرداخت حدود سه ملیون تومان توسط قاچاقچیان به ایران انتقال داده می شوند، و اگر سلامت به آن سوی مرز برسند باز هم در آنجا برای مدت مدیدی بیکاراند. امروز در دهات تمام زیر بنا و ساختمان اقتصادی در حال نابودی است و توده ها روز بروز به سمت شهر ها هجوم می آورند.

این وضعیت اسفناک نه تنها دامنگیر مردان زحمتکش گردیده بلکه زنان را نیز به این مصیبت دچار نموده است.

در افغانستان کنونی زنان نه تنها مشغول کارهای

سخن عشق

ز فیض چشم عشقم، ماه و خورشید

بگیرد سرمه از خاکستر من

نباشد گر سخن از عشق «سرمد»

نمی ارزد به گاهی دفتر من

اگر خود را زقید خود رهانی

همان در زمره آزادگانی

چرا در انتظار قهرمانی؟

بجنبی گر زجا، خود قهرمانی

گلم در این چمن رنگی ندارد

خروش سازم آهنگی ندارد

درین جا آن کسی را اعتبار است

که از آلودگی ننگی ندارد

در این قسمت از محفل از آقای مجیدی می خواهم آنچه را تهیه دیده اند به سمع شما برساند تا آمدنش تشویق نماید.

اول می روز جهانی کارگر مبارک باد!

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که نیروی کار وسیعا آواره و بی اشتغال است و جوانان راه فرار از کشور را بر گزیده اند.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که فساد اداری به اوج خود رسیده و فارغان پوهنتون ها کاملا بیکار و بی سرنوشت به سر می برند و در بدر بدنبال کار می گردند و هیچکس بدون پیسه نمی تواند کاری برای خود بیابد. فساد از زمان پیدایش طبقات بوجود آمده و جز لاینفک نظام طبقاتی است، افغانستان هم نمی تواند از آن مستثنی باشد. افغانستان در گذشته هم به فساد آلوده بوده، اما از زمان اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا و شکل گیری یک رژیم دست نشانده فساد فوق العاده رشد نموده و تا حدی گسترش یافته که افغانستان را از لحاظ فساد در جهان در صدر جدول قرار داده است. در دوره حکومت به اصطلاح وحدت ملی فساد به شکل وحشیانه آن وجود دارد که در هیچ یک از ادوار گذشته وجود نداشته است.

در جولای ۱۸۸۹ میلادی کنگره بین الملل در پاریس روز اول می را بعنوان روز جهانی کارگران بر گزیدند. از آنروز به بعد این روز در سراسر جهان بعنوان روز کارگر از طرف کارگران و تمامی نیروهای انقلابی تجلیل می گردد.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که افغانستان در چنگال خونین اشغالگران امپریالیست قرار دارد و ترانه های باز سازی افغانستان توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده به ناله های گوش خراشی تبدیل گردیده که نه تنها اعصاب شنوندگان بلکه اعصاب اشغالگران و رژیم دست نشانده را نیز می آزارد.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که سرازیر شدن سرمایه های خارجی به کشور باعث چاق شدن هر چه بیشتر دلالان و جنایتکاران داخلی و باعث فقیر شدن هر چه بیشتر کارگران افغانستانی شده است. ما در حالی به سراغ این روز می رویم که سطح زندگی کارگران افغانستان بیش از حد به وخامت گرائیده است.

برای تمامی زحمتکشان و بخصوص کارگران سخت تر گردیده است. توده ای عظیم مردم از دست فقر، بیکاری، دزدی، تجاوزات جنسیتی، و اعتیاد به ستوه آمده و همه روزه تعداد کثیری از جوانان از کشور فرار می کنند. مسبب اصلی این همه بد بختی ها، اشغالگران امپریالیست به رهبری اشغالگران امریکایی و رژیم دست نشانده شان می باشند.

امروز، روز تجدید عهد و پیمان مبارزاتی کارگران است. کارگران در این روز تجدید پیمان می بندند که تا سر نگونی رژیم سرمایه داران از مبارزات شان دست بر دار نیستند، زیرا کارگران جز از زنجیر های اسارت شان چیزی را از دست نمی دهند اما در عوض جهانی که محصول رنج شان است بدست می آورند.

راه حل چیست؟

یگانه راه حل از بد بختی و فلاکت فقط و فقط همبستگی و اتحاد انقلابی کارگران و بقیه زحمتکشان و مبارزه متشکل، پیگیر و جدی علیه اشغالگران امپریالیست به خاطر بیرون راندن شان و سر نگونی رژیم دست نشانده می باشد.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که تجاوزات جنسیتی قوس صعودی خود را می پیماید و روزی نیست که سر لوحه روز نامه ها مزین به تجاوزات جنسیتی و یا قتل زنان نباشد.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که انتخابات مضحکه نمایشی پارلمانی و شوراهای ولایتی در پیش رو است و باید آنها قویا تحریم نماییم.

ما در حالی به سراغ این روز می رویم که تعداد کثیری از کارگران آواره و بی اشتغال افغانستانی در ایران منتظر حکم اعدام خود هستند. این کارگران به اتهام قاچاق مواد مخدر یعنی همان چیزیکه اشغالگران و رژیم دست نشانده در افغانستان آنها رشد داده و منفعت کلانی همراه با سپاه پاسداران ایران از آن به جیب زده اند، اسیر شده و منتظر اعدام خود می باشند. این کارگران کسانی اند که بخاطر منافع اشغالگران، رژیم پوشالی و همکاران شان یعنی سپاه پاسداران ایران قربانی می شوند.

با روی کار آمدن رژیم دست نشانده جان کری یعنی رژیم پوشالی به اصطلاح وحدت ملی شرایط و اوضاع

با تشکر از آقای مجیدی:

ضامن بقا

میهن در انتظار من و تو نشسته است
دشمن به جر و بحث یک و دو نشسته است
از خون سرخ رنگ دلبران هنوز هم
بر لاله های سرخ چه خوش بو نشسته است
دلالت و دیو هر دو نشسته است پشت میز
خون های خلق روی ترازو نشسته است
دلالت با رضایت خاطر پر از غرور
در پشت شیشه های پرادو نشسته است
اما! بیاد دار که پیغام زندگیست
پیروزی روی همت بازو نشسته است
هرجا که خون سرخ شده ضامن بقا
خفاش شب همیشه به زانو نشسته است



در این قسمت محفل از خواهر مان مرسل نبرد می خواهیم تا شعری را که تهیه نموده اند دکلمه نماید تا آمدنش تشویق نماید.

جادوگران شب

در شهر شب که جلوه گه رنج و ماتم است
سیمرغ خوفناک و سیه بال وحشتی
گسترده بال خویش

نی آب گریه می چکد از ابر پاره ئی
نی ز آذرخش تند جهیدن شراره ئی
نی برق خنده ئی ست به چشم ستاره ئی
تا رهروان راه شکست طلسم را
از اوج آسمان بنماید اشاره ئی
گویی ستارگان همه در خواب رفته اند
خورشید مرده است.

از بسکه موج حيله و تزوير رنگ رنگ
بالا گرفته است

تاریک پرده های فریبنده خیال
در پیش دیده ها
دیوار می شود.

از بسکه زشت و نیک
پیوند خورده است
هر جا گلی ست پاک
همبستر فسرده دل خار می شود.

گر شمع نیمه جان تلاش خود آگهی
در تار گوشه ئی
روشن شود گهی
از گرد باد حيله گر کاهنان شب
آن شمع نیمه جان
خاموش می شود



آن گوشهٔ غریب

همرنگ گوشه های دگر تار می شود.

جادوگرانِ شب

گر دستِ خویش را

در گردنِ ستم زده ئی حلقه می کنند

آن دست رفته رفته

سیه مار می شود

این ماجرای تلخ

عمری گذشت و باز

تکرار می شود.

گر نیست این چنین

با دستِ فتنه پیشهٔ غولانِ روزگار

بر شانهٔ صداقتِ آزاده مردها

سنگِ هزار تهمت چرکینِ نابجا

چون بار می شود؟

اما

اما درین محیطِ غم آلودِ مضطرب

هر چند

وحشت است و سکوت است و ماتم است

هرچند

اثر ز جنبش و رزمندگی کم است

هر سو، به هر نفس

چندین هزار بشکهٔ باروتِ انفجار

در سینهٔ فراخِ سکوتِ غمین و پیر

انبار می شود.

تا آنکه از درخششِ خونینِ جرقه ئی

برپا شود غریوِ خروشانِ انفجار

پایان رسد شکنجهٔ دیرینِ انتظار





از آن غریو مست
خوابیده روح تنبل بیمار ناتوان
از بستر فسردگی یاسِ دیر پای
بیدار می شود.
در جوی خشکِ هر رگ این پیکرِ کرخت
چون موج گرم نور
خون امید تازه، پدیدار می شود.
این جسم خسته جان
سرشار می شود
گر بشکنند ز گردن مغزِ توانگرش
با خشم آتشین
زنجیر سرد و یخ زده و هم پوچ را
هشیار می شود.



آنروز می دمد
از چشمه سار سرخ درخشنده شفق
خورشید راستین طلایی سپیده ئی
تا بردرد گلوی شب دیر خفته را
با نیزه های اشعه در خون تپیده ئی
آنروز مژده بخش
در اوج قله های شرر خیز رستخیز
با بال های آتشین خود
عقاب فتح
پرواز می کند
در شاخه های سبز درخت امید بار
در باغ آرزو
مرغ حماسه ساز نفس آتشین شعر
از نو ترانه های نوی ساز می کند.

با تشکر از خواهر مان مرسل جان.



کارگرا!

رنجبرا!

اختر تابنده تویی،

گوهر رخسنده تویی.

در صف خدمت بوطن،

پیشرو و سازنده تویی.

قدرت بازوی تو باشد به جهان رمز حیات.

وحدت و نیروی تو چون فاتح و شمشیر حیات.

درین قسمت از برنامه یک تن از جوانان به نام شهاب سالنگی یک پیام تبریکی دارد که خدمت تان ارائه میکند، لطفا تا آمدن شان تشویق نمایید.

پیام تبریکی و حمایتی

با عرض سلام خدمت همه حاضرین در تالار!

من "شهاب سالنگی" به نمایندگی از "جامعه مدنی" روز جهانی کارگر را به تمام کارگران سراسر جهان و کارگران زحمتکش افغانستان تبریک و تهنیت عرض میکنم و حمایت خود را از فعالیت "هسته کارگری مبارز افغانستان" اعلام میدارم.

با تشکر از آقای شهاب سالنگی!

چه فرقی میکند؟

چه فرقی می کند نوروز باشد یا خزان باشد
چه فرقی می کند کندوز باشد بامیان باشد
درون سفره ی ما درد باشد با غم و حسرت
و طعم اشک دایم بر زبان کودکان باشد
درون سفره ی تو هفت سین، هفتاد من میوه
خدا با کودکان مثل مادر مهربان باشد
کباب گوسفند تازه، نان گرم و شربت ها
برای هر کدام تان همیشه نوش جان باشد
و اینجا کودکان، طوفان فقر و درد بی نانی
چنان باشد که تنها پوست روی استخوان باشد
چه فرقی می کند دیروز با امروز و نوروزش
اگر قصر ستم بالا به اوج آسمان باشد
چه فرقی می کند نوروز می آید، نمی آید



اگر رویای ما تنها و تنها نیم نان باشد
چه نوروزیست آن روزی که مادر میهن زیبا
اسیر پنجه های خون چکان دشمنان باشد
ستم بر باد باید شد، وطن آزاد باید شد
همان روزی که آزادی بود، نوروز آن باشد

حالا از آقای "ی" تقاضامندم آنچه را که تهیه نموده اند به سمع شما برسانند تا آمدن شان تشویق نماید.

ای وطن!

عاقبت ای خاک جان بخش وطن میسازمت

گر هزاران ره شوی ویرانه، من میسازمت

گاه بیلیم در کف و گاهی قلم، یعنی که من

با قلم با بیل ای خاک کهن، میسازمت

من قوی بازویم و با آبرو و کارگر

با غبار صورت و خون بدن میسازمت

خصم گر همچون شهیدان پیکرم در گور کرد

من برون از گور گشته، با کفن، میسازمت!

نخستین روز ماه می، برابر است با دوازدهم ثور، روز جهانی کارگران

کارگران، زحمت کشان جهان درودتان باد!

میمیرند، جویبارها اگر به دریا نرسند فاسد و گندیده میشوند. این جنگل و دریا است که پیوسته سرسبز و پویا است. از قطره گی برون آمده و به دریا پیوسته، آن روز انسان به آزادی واقعی خود می رسد که هر انسان برای انسان رفیق باشد. آنروز دیگر از گرسنگی، بیداد، تاراج و غارت، حکومت خودکامگان خبری نباشد. حکومتی که همه چیز را انحصار کرده، اراضی مال آنها، تمام معادن مال آنها، تمام آبهای زمینی مال آنها، تمام کارخانه ها مال آنها، اگر ممکن باشد که هوا را در شیشه انحصار نمایند، میگردند و ما مجبور میشدیم برای نفس کشیدن نیز جان بکنیم تا هوا بخریم.

اگر بخواهیم می توانیم که خود را نجات دهیم. با اتحاد و همبستگی و مبارزه جمعی بر مشکلات خود فایق آئیم. این درفش آزادی خواهی و مبارزه را برافراشته نگه می داریم.

۱۲۷ سال پیش از امروز در سراسر جهان تجلیل به عمل می آید که کنگره بین المللی کارگران در پاریس به پیشنهاد نمایندگان امریکا روز اول ماه می را به عنوان روز جهانی کارگران برگزیدند.

شما کارگران و زحمتکشان میدانید چه قدرت عظیمی در اتحاد و همبستگی شما نهفته است؟ به همین علت است که کار فرمایان با تمام توان میکوشند تا اتحاد شما کارگران را بشکنند!

آگاهی و دانش است که به حیات شما معنی میدهد. نقش شما را در سرنوشت جامعه قاطع و سازنده می بازد و این نکته را به خوبی میدانیم که دریای بشریت است که از حرکت باز نمی ماند و جنگل انسان افسرده نمیشود. همیشه سربلند و سرسبز است. قامت افروخته و سینه به خورشیدهای درخشان سپرده است. تک درختان

راه بس دشوار و ناهموار پیش روی ماست. با متانت، شهامت، مردی و مردانگی این راه را پیموده و به پیروزی ایمان داشته باشیم.

و در اخیر به امید روزی که دیگر از فقر، بدبختی، بیچارگی خبری نباشد.

تشکر

هنوز نام مردانی هست که صدایشان را هزاران هزار مردم حس میکنند و می شنوند. صدای آنها در دهلیز تاریخ طنین بسیار قوی دارد. اگرچه به جاودانگی و ابدیت پیوسته اند و آنها برای گرفتن حق خود با استعمارگران و اشغالگران مبارزه میکردند و با آرمان بزرگ به آزادی انسان می اندیشیدند و به امید روزی که انسان به وسیله انسان استعمار نشود.

با تشکر از آقای «ی»:

کارگر ای تپش موج خروشان زمان
ای چکش کوب سری بی هنری بد گهران
جان من فرش رخت باد درودم بتو باد
سر به دروازه دشمن نگذاریم به عجز
شعله آتش خشمیم که دشمن سوزیم
شفق سرخ قیامیم به پایبندی خود
شرر آتش فردا ست که می افروزیم.

در این قسمت محفل آقای آزاد قطعنامه " هسته کارگری مبارز افغانستان " را به سمع شما می رساند تا آمدنش تشویق نماید.

قطعنامه

در جامعه اشغال شده افغانستان، کارگران بیش از پیش به اعماق فقر، دربدری و بیکاری سقوط نموده اند. از یکطرف روز بروز کارگران، دهقانان و اقشار زحمتکش جامعه فقیر و فقیرتر می شوند و از سوی دیگر ثروت های عظیم در دست سرمایه داران و فیودالان بزرگ ذخیره می گردد. این وضعیت تفاوت میان کارگران و تمامی زحمتکشان از یکسو و سرمایه داران و فیودالان را از سوی دیگر بیشتر از پیش نشان می دهد. وضعیت آشفته ای بیکاری باعث گردیده که تعداد زیادی از کارگران بینوای افغانستان با آنکه مورد تحقیر، توهین، آزار و اذیت در کشورهای همسایه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرند جبرا برای به دست آوردن لقمه نانی عازم این کشور شوند. برای کارگران و سایر اقشار زحمتکش راهی جز مبارزه مرگ و زندگی با اشغالگران امپریالیست، رژیم دست نشانده و اشغالگران داعشی و هم چنین سرمایه داران و فیودالان داخلی، دلالان سرمایه داران اشغالگر باقی نمانده است.

در شرایط کنونی افغانستان نیروهای اشغالگر و سرمایه داران خارجی تحت حمایت شان بخش اصلی استثمارگران

را در داخل افغانستان تشکیل می دهد و بخش اصلی استثمارگران داخلی سرمایه داران و فیودالان بزرگی اند که در خدمت اشغالگران قرار گرفته و به سرمایه داران خارجی دلالتی می کنند. این ها بعنوان جنایتکاران اصلی یکی بعنوان ارباب و دیگری بعنوان مزدور و خادم، بعنوان دشمنان عمده آماج مبارزات انقلابی طبقه زحمتکش جامعه قرار دارند.

هدف کارگران و تمامی زحمتکشان رهایی از چنگال ستم و بی عدالتی اجتماعی و رسیدن به یک جامعه نوین فارغ از استثمار و ستم می باشد، اما متأسفانه که کارگران و اقشار زحمتکش جامعه از یک درفش واحد مبارزاتی برخوردار نیستند، علت این امر در کمبود آگاهی کارگران و زحمتکشان از وضعیت اجتماعی شان است. کارگران باید به یک طبقه ای برای خود تبدیل شوند، این زمانی میسر است که کارگران علت بدبختی خود و راه بیرون رفت از این معضل را درک نمایند، و متحداً علیه اشغالگران و مزدوران شان مبارزه بر خیزند.

بنابراین «هسته کارگری مبارز افغانستان» قویاً به این باور است که برای تامین استقلال سیاسی افغانستان باید نیروی های اشغالگر هر چه سریعتر بدون قید و شرط از افغانستان اخراج گردند. این خواست نه تنها خواست عمومی مردمان این سر زمین است، بلکه یک خواست صنفی کارگران نیز محسوب می شود.

در شرایط کنونی «هسته کارگری مبارز افغانستان» دارای خواست های اساسی و خواست حد اقل می باشد.

خواست های اساسی «هسته کارگری مبارز افغانستان» قرار ذیل است:

اول - اخراج فوری بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از افغانستان.

دوم - رژیم دست نشانده "وحدت ملی" جز یک رژیم مزدور، مطیع و دست نشانده اشغالگران چیز دیگری نیست، باید سر نگون گردد.

سوم - مردم افغانستان به یک دولت ملی مردمی و انقلابی نیاز دارند. دولتی که مدافع استقلال افغانستان و حافظ آزادی ملی مردمان افغانستان بوده و طبق ارزش های دموکراسی نوین به وجود بیاید و عدالت اجتماعی را در ضدیت با استثمار، ستم ملی و ستم جنسیتی تأمین نماید. و باید برای ایجاد و استقرار چنین دولتی مقاومت و مبارزه نمود.

خواست حد اقل "هسته کارگری مبارز افغانستان" را می توان قرار ذیل بر شمرد:

۱- ایجاد زمینه های اشتغال برای عموم مردم بخصوص کارگران و فارغان پوهنتون ها تا بتوانند لقمه نانی در داخل کشور بدست آورند و از فرار نسل جوان از کشور جلوگیری بعمل آید.

۲- به رسمیت شناختن روز اول می و تعطیل عمومی این روز در افغانستان.

۳- ایجاد زمینه های تحصیلات عالی رایگان برای همه.

۴- ایجاد خدمات صحی رایگان برای عموم مردم.

۵- لغو کار اطفال زیر ۱۸ سال.

- ۶- تثبیت حد اقل معاش کارگران متناسب با نیازمندی های امروزی و رشد روز افزون تورم و افزایش قیمت ها.
- ۷- کارگران باید از حق ایجاد تشکلات کارگری، بیمه کار و معاش تقاعد و همچنین براه انداختن اعتصاب و اعتراض علیه کار فرمایان برخوردار شوند.
- ۸- دریافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی. امروز زنان به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار دارند باید در برابر کار مساوی مزد مساوی پرداخت گردد.
- ۹- حمایت از حقوق کارگران و زحمتکشان افغانستانی آواره در کشورهای خارجی و تعقیب و بررسی دوسیه های کسانی که بنام های گوناگون در زندان های کشورهای همسایه به سر می برند.
- ۱۰- کارگران باید در طول سال از یک ماه رخصتی با معاش مستفید گردند. در صورتیکه نخواهند از رخصتی استفاده کنند و یا موسسات برای شان رخصتی ندهند، باید معاش یک ماهه رخصتی شان داده شود.
- ۱۱- مراقبت رایگان از معلولین جنگی و غیر جنگی و هم چنین از افراد سالمند ناتوان از کار.
- ۱۲- آزادی بی قید و شرط محل سکونت برای تمام ملیت های ساکن کشور.
- ۱۳- لغو هر نوع محدودیت بر مسافرت به خارج از کشور. اخذ پاسپورت و ویزا برای کارگران در اسرع وقت با کمترین هزینه باید میسر گردد.
- ۱۴- حق بر خورداری کارگران و اقشار زحمتکش از کلیه امکانات آموزشی در جامعه بصورت رایگان. شکل های تجارتي خصوصی تعلیم و تربیه باید ملغی گردد.
- ۱۵- رفع هر گونه تبعیض جنسیتی علیه زنان کارگر در استخدام و پرداخت دستمزد مساوی. زنان کارگری که زایمان می کنند باید سه ماه رخصتی با معاش برای شان داده شود.
- برای بدست آوردن این خواست ها و سایر خواست ها، کارگران به آگاهی سیاسی و تشکیلات انقلابی جهت بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار جامعه عاری از ستم نیاز دارند. بنابراین لازم است که هر چه جدی تر در میان کارگران به اشاعه آگاهی و متشکل ساختن شان پرداخت.
- «هسته کارگری مبارز افغانستان» تمامی کارگران افغانستان را به اتحاد مبارزاتی علیه اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده فرا می خواند.

« هسته کارگری مبارز افغانستان »

۹ ثور ۱۳۹۵

با تشکر از آقای آزاد.

پرواز شاهین

تو ای فرزند رنج، ای کارگر، ای اختر روشن
گناهت چیست در پهنای این وادی درد انگیز
مگر موج وجودت را نباشد قدرت طوفان
به پا بر خیز و با اهریمن افسردگی بستیز
چرا در کوره بیداد این مستی ستم گستر
روان خویشتن سوزی و شمع غیر افروزی
طلسم شوم این دون همتان ددمنش بشکن
که این بدگهران را نیست سیری از زراندوزی
تو شاهینی قفس بشکن به پروازی آی و مستی کن
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است
مگر ای کارگر ای پور رنج آخر نمیدانی
تلاش زندگی در کارزار مرگ شیرین است

باز هم از گروه هنری تقاضامندم تا با سرود های انقلابی خویش محفل ما را گرم گرم سازند تا آمدن شان تشویق نماید.

پارچه آهنگ شماره سوم :

شهره به لب چند بهار ساخته اند
چون گرگ گرسنه در جهان تاخته اند
کردند به زیر پا هزاران سر و دست
تا گردن شوم خود برافراشته اند

تا چند بود ناله غم خانه به خانه؟
تا چند به غم خانه فسون است و فسانه

تا چند به بیگانه کنی عذر و بهانه
برخیز و به هم ریز که تا نظم زمانه
برهم نخورد پاک، منظم شدنی نیست (۳)

کو نظم و نظامی که به مردم نرسد جور
برهیچ سوالی نبود پاسخ فی الفور
بر دهکده ارباب ندارد نظر غور (۲)
خوشحال ز افزایش ظلمیم درین دور! (۲)
چیزی که فراموش نشد، کم شدنی نیست (۳)

تو در پی آزاری و من در پی امداد
تو در پی تخریبی و من خواهمت آزاد
تو در غم امحائی و من در پی ایجاد
خواهی تو مرا بنده و من خواهمت آزاد (۲)
آن هم شدنی نیست، این هم شدنی نیست (۲)
آن هم شدنی نیست، این هم شدنی نیست (۲)

پارچه آهنگ شماره چهارم:

به مادر میهن بگو بگو از ما
بگو که دریافتیم ره حقیقت را
بگو که ای مادر بخاطر میهن ترانه میخوانیم
بگو که ای مادر شکوه میهن را همیشه خواهانیم -۲

سعادت ملت - شهامت کارگر - فروغ وحدت ها - به قلب این کشور

همیشگی بادا، همیشگی بادا

به مادر میهن بگو بگو از ما

بگو که دریافتیم ره حقیقت را

بگو که ای مادر بخاطر میهن ترانه میخوانیم

بگو که ای مادر شکوه میهن را همیشه خواهانیم - ۲

چه عالمی دارد - چه لذتی دارد - به پهنه هستی - صدای خرسندها

ز سینه انسان، همیشه برخاستن

به مادر میهن بگو بگو از ما

بگو که دریافتیم ره حقیقت را

بگو که ای مادر بخاطر میهن ترانه میخوانیم

بگو که ای مادر شکوه میهن را همیشه خواهانیم - ۳

با تشکر فراوان از گروه هنری مان :

کارگر

کارگر ای شعله های خشم کین

خار چشم چشم های ظالمین

کارگر روشنگر راه زمان

افتخارت نسل های مردمین

افتخارت کارگر بهر وطن

پس بیا با رزم و خیز آبدین

بر کنیم این ریشه های ظلم را

تار و پود سست این امواج کین

چون رسیم بر موج موج انقلاب
با عمل، با علم و مشت آهنین
برکنیم از بیخ و بنیاد قفس
پاک سازیم ریشه های ظالمین
برکنیم این ظلم استبداد را
تا بسازیم قلب های مهترین
پس بیا با ما و من ای کارگر
تا بسازیم یک جهان برترین
تا بسازیم موج های پر طرب
خیز با عزم به سوی خائنین
کوه، دشت و وادی مان لاله است
خیز از خواب گران ای برترین!
همت پیکار تو هست بیش ازین
اقتدار قدرت تو آهنین
خیز با رزم و سترگ استوار
تحت یک چتر سترگ نازنین
برخیزید با رزم های استوار
وقتی میبارد ستم با خشم و کین
آی مردم، مشت خود بالا کنیم
وقتی می تازند بر این سرزمین
پس بیا ای کارگر با انقلاب
انقلاب است راه حل این زمین



در ختم محفل از تک تک شما عزیزان تشکر می نمایم که در محفل روز جهانی کارگر اشتراک نمودید و تا آخر ما را همراهی کردید،

زنده باد اول می روز جهانی کارگر

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و بقیه زحمتکشان

ختم محفل امروزی را اعلان می نمایم.

صفحه	عناوین مندرج درین شماره:
۲	گزارش تجلیل از روز جهانی کارگر
۴	افتتاحیه محفل
۵	فراخوان هسته کارگری مبارز افغانستان
۶	قوت کاری
۷	اول ماه می برابر با ۱۲ ثور روز جهانی کارگر (تاریخچه)
۸	دکلمه من چو رعدم که جهان لرزانم
۸	افغانستان در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶
۹	با ما بیا ای کارگر (دکلمه)
۱۰	به نام نامی مردم (دکلمه)
۱۱	آی مردم (دکلمه)
۱۲	انتخابات نمایشی و تقلبی پارلمانی و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی را قاطعانه تحریم نماییم
۱۴	پارچه آهنگ اول
۱۵	پارچه آهنگ دوم
۱۵	عزم و رزم (دکلمه)
۱۶	مسیب بدبختی کارگران کیست؟
۱۸	سخن عشق
۱۸	اول می روز جهانی کارگر مبارک باد!
۱۹	ضامن بقا
۲۰	جادوگران شب
۲۳	پیام تبریکی و حمایتی
۲۳	چه فرقی میکند؟
۲۴	نخستین روز ماه می، برابر است با دوازدهم ثور، روز جهانی کارگران
۲۵	قطعه نامه
۲۸	پرواز شاهین (دکلمه)
۲۸	پارچه آهنگ سوم
۲۹	پارچه آهنگ چهارم
۳۰	اختتامیه (دکلمه کارگر)

"هسته کارگری مبارز افغانستان" صدای برحق کارگران ستمدیده افغانستانی است

آدرس ما: www.kargaranafghanistan.blogfa.com

ایمیل آدرس ما: hastakargari@yahoo.com